

# تکچهره‌های فتحعلی شاه

با تاکید بر آثار مهرعلی  
نقاشباشی فتحعلی شاه

مریم خلیلی / کارشناس ارشد پژوهش هنر / دانشگاه تهران

سلطنت فتحعلی شاه شرایط مناسبی را برای شکوفایی مجدد هنرهای مختلف فراهم ساخت و در این میان نقاشی و بویژه چهره‌نگاری، ارزش و جایگاهی ویژه یافت. از آنجایی که فتحعلی شاه خود مهمترین حامی و سفارش دهنده هنر بود، از میان مضامین رایج در نقاشی دمه‌های نخستین حکومت قاجار، آثاری که به منظور نشان دادن شکوه و عظمت شاه به تصویر در آمدند اهمیت زیادی دارند. از این رو بررسی و تحلیل تکچهره‌های فتحعلی شاه به عنوان مناسب‌ترین آثار نمایش دهنده نقاشی آن دوره، محور اصلی این مطالعه در نظر گرفته شده و تاکید اساسی نیز بر نقاشیهای مهرعلی، برجسته‌ترین نقاش دربار فتحعلی شاه، گذاشته شده است. علاوه بر مطالعه خصوصیات سبک‌شناسانه آثار، یکی از اهداف این مقاله بررسی نحوه پایدار ماندن سنتهای هنر تصویری ایران در این تصاویر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال جامع علوم انسانی



### مقدمه

نیمه اول قرن سیزدهم هجری قمری، یکی از مهمترین بخشهای تاریخ ایران را تشکیل می‌دهد پس از مرگ آغامحمدخان، جانشینی او به برادرزاده‌اش باباخان رسید. آغامحمدخان به دلیل علاقه‌ای که به باباخان داشت نه تنها وی را به ولایت عهدی خویش برگزید، بلکه برای برطرف کردن مدعیان سلطنت او، حتی از قتل نزدیکانش نیز فروگذار نکرد. بدین ترتیب فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۲ ه. ق. بر تخت سلطنت جلوس کرد.

جنگهای ایران و روسیه بر سر مرزهای شمالی، سبب گسترش روابط ایران با قدرتهای اروپایی شد. زیرا دربار فتحعلی شاه برای دفاع سپاه روس از خاک ایران به دنبال متحدی اروپایی بود و این جریان، منجر به بروز رقابت شدیدسیاسی میان انگلستان و فرانسه در ایران شد. بنا بر این روابط میان ایران و اروپا در این دوران به سطح قابل توجهی رسید که جدا از تأثیراتی که بر مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت، عرصه‌های مختلف فرهنگ و هنر پویژه نقاشی را نیز از اثرات خود بی‌نصیب نگذاشت. در اولین مقاله ضمن اشاره‌ای کوتاه به زمینه تاریخی شکل‌گیری رابطه دربار فتحعلی شاه با ابرقدرتهای اروپایی، به دلایل و چگونگی توجه شاه به هنر چهره‌نگاری پرداخته خواهد شد. در ادامه تعدادی از تک‌چهره‌های فتحعلی شاه به قلم مهرعلی وویژگیهای غربی و ایرانی آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا مشخص شود هنرمند ایرانی، این بار چگونه توانسته است میان سنتهای هنر تصویری ایران و الهام‌پذیری از هنر بیگانه به هماهنگی دلخواه خود دست پیدا کند.

### رابطه دربار فتحعلی شاه با دولتهای خارجی<sup>(۱)</sup>

در اروپا حوادث بسیار مهمی در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، مقارن با نیمه اول قرن سیزدهم هجری قمری رخ داد که اثرات آن تنها در مرزهای اروپا باقی نماند و دیگر نقاط جهان را نیز بشدت متأثر ساخت. انقلاب کبیر فرانسه، جنگها و لشکرکشیهای ناپلئون، انقلابهای صنعتی، کشمکشهای سیاسی میان فرانسه و انگلیس و مسائلی از این دست، وضعیت سیاسی اروپا را درگروگون کرد. ایران نیز از اثرات این

حوادث بزرگی بی‌نصیب نماند.

ناپلئون برای تضعیف قوای مهم‌ترین رقیب خود، دولت انگلیس، سعی داشت تا به بزرگ‌ترین مستعمره آن کشور، یعنی هندوستان، حمله ببرد. از این رو ناگزیر بود تا راه حمله به هندوستان را از عثمانی و ایران بدست آورد و این امر مستلزم جلب رضایت دربار این دو کشور بود. از سوی دیگر فتحعلی شاه نیز بدنبال متحدی اروپایی بود تا بتواند از دست‌اندازی روسیه به خاک ایران جلوگیری کند. علاقه دو کشور به ایجاد ارتباط، سبب گشت هر کدام، نمایندگان را روانه کشور مقابل کنند تا در باب اتحاد دو دولت پویژه در مورد مسائل نظامی، قراردادی را منعقد سازند. در نهایت پس از عقد قرارداد، ناپلئون در تاریخ ۱۸۰۷ م / ۱۲۲۲ ه. ق. هیأتی را به ایران اعزام نمود. ایران به دلیل موقعیت ویژه‌ای که در آسیای جنوبی داشت، مورد توجه کشورهای اروپایی از جمله انگلستان بود. همچنین به علت فتوحات ناپلئون، انگلیس برای پیشگیری از خطری که ممکن بود متوجه مستعمره پرهای هندوستان شود، به تجدید روابط با ایران پرداخت. فتحعلی شاه به دلیل برقراری ارتباط با ناپلئون، رابطه با انگلستان را محدودتر کرده بود، اما در تمام مدتی که هیأت اعزامی ناپلئون در ایران بودند، کارگزاران انگلیس از طرق مختلف اسباب شکست سیاست فرانسه در ایران را فراهم می‌کردند. از سوی دیگر عمل نکردن ناپلئون به تعهدات خود بخصوص در مورد مسئله روسیه باعث مایوس شدن فتحعلی شاه از دربار فرانسه گردید. در این هنگام نماینده جرج سوم، پادشاه انگلیس، توانست اعتماد شاه را در خصوص حمایت از ایران برای راندن قوای روسیه از خاک قفقاز جلب کند. بنابراین بار دیگر زمینه بهبود روابط ایران و انگلیس فراهم شد.

تأثیر ارتباط ایران و اروپا بر هنر تردیدی نیست که برای بررسی دقیق و همه‌جانبه تأثیرات غرب بر هنر ایران باید به گذشته‌ای بس دورتر بازگشت و شروع این جریان را از دو قرن قبل، یعنی هنگامی که اولین مرادوات هنری میان ایران و اروپا در زمان شاه عباس اول شکل گرفت، جستجو کرد. این امر تداخل شیوه‌های غربی را با هنرهای تصویری ایران به

همراه داشت استفاده هنرمندان ایرانی از شیوه‌های حتی موضوعات غربی، ظهور فرنگی‌سازی و ایرانی‌سازی را در نقاشی ایران سبب شد. این جریان با تغییراتی که در طول زمان داشت، در دوران زندیه مورد توجه قرار گرفت و در نهایت در دهه‌های نخستین عصر قاجار به اوج و کمال خود رسید و به سبکی منسجم تبدیل شد.

### رویکرد فتحعلی شاه به هنرها

پس از انقراض حکومت صفویان اغتشاشات بسیاری پویژه در نواحی مرزی رخ داد و تعرض بیگانگان را نیز در پی داشت. جو ناآرام در زمان روی کار آمدن محمود افغان در سال ۱۱۲۵ ه. ق. و حتی افشار، شرایط مناسبی را برای جریان خلاقانه هنری در نقاشخانه‌های سلطنتی فراهم نساخت. دوران کوتاه‌زمانمداری کریمخان زند فرصت چندانی برای رشد و رونق به هنر نداد و پس از مرگ او در سال ۱۱۹۲ ه. ق. بار دیگر ایران دستخوش آشوب گردید.

آغامحمدخان پسر یکی از سران ایل قاجار، پس از کشتن لطفعلی خان، آخرین شاه زندیه و از بین بردن دیگر رقیبان، زمام حکومت را در دست گرفت و سلطنت قاجار را بنیان نهاد. سراسر دوران حکومت وی با بی‌ثباتی و جنگ همراه بود. اما هنگامی که تنها یک سال پس از تاجگذاری در سال ۱۲۱۱ ه. ق. به قتل رسید، دیگر ارکان حکومت قاجار مستحکم شده و وضعیت کشور به ثبات نسبی رسیده بود. این امر، زمینه را برای تجدیدحیات هنر در دربار جانشین او، فتحعلی شاه، فراهم ساخت. لایلا دبیبا یکی از موجبات این رشد و رونق هنری را ثروت بز جای مانده از شاهان قبلی می‌داند. پویژه غنای نادرشاه از هندوستان که به فتحعلی شاه این امکان را داد تا برای احیای شکوه و جلال دربار خویش از هیچ اقدامی فروگذار نکند. (۲) ساختن کاخهای متعدد جزو اولین اقدامات بود و بنابراین تزیین این عمارتها پرده‌های نقاشی بسیاری را نیز می‌طلبد. این نقاشیها نه فقط برای تزیین، بلکه برای نشان دادن قدرت و شوکت دربار قاجار به خدمت گرفته می‌شدند. «قاجاریان با بهره‌گیری از انواع تصاویر و واسطه‌های گوناگون، می‌خواستند به جهانیان اعلام کنند که آنها سلطنت را پس از چهل سال جنگ خونین بدست آورده‌اند.» (۳) بنابراین

در زمان پادشاهان قاجار «بازگشت به عظمت باستانی ایران نه تنها در هنرهای تجسمی راه یافت بلکه بخشی از بازآفرینی زبان، تاریخ و فرهنگ ایرانی بود... بیشتر از همه فتحعلی شاه با حالت و چهره‌های مختلف در شماری از تابلوهای نقاشی ظاهر شد تا به جهانیان قدرت و شوکت خود را فرامی‌داند» (۳)

فتحعلی شاه پیش از نایل شدن به مقام سلطنت، حاکم فارس بود. دیبا این دوران را که منجر به آشنایی شاه با تاریخ و میراث باستانی ایران بویژه هخامنشیان و ساسانیان شده بود، عامل مهمی در توجه و تمایل وی به گذشته با عظمت ایران می‌داند که باعث شد خود را وارث برحق شاهان بزرگ ایران دانسته و در ایجاد دستگاه حکومت و دربار مجلل خویش، آنان را سرمشق قرار دهد (۵) و در راستای همین جریان بود که فتحعلی شاه به شاعر دربار، فتحعلی خان صیبا، فرمان داد تا به تقلید از شاهنامه فردوسی، در مدح و ثنای عظمت سلسله قاجار، شاهنشاه‌نامه را بسراید. بدین ترتیب همچنان که جولین رابی اشاره می‌کند، شاه از تمام امکانات تصویرپردازی کلامی و تجسمی به منظور نمایش احیای قدرت و شوکت شاهانه بهره گرفت و در این میان پرده‌های نقاشی، نقشی اساسی ایفا می‌کردند. شاه نه تنها در تزیین کاخهای بی‌شمارش آنها را به کار برد، بلکه آنها را برای هم‌تایان اروپایی خویش نیز ارسال کرد. رابی اضافه می‌کند که از میان ۲۵ نقاشی موجود از تکچهره فتحعلی شاه، پانزده تصویر برای مقامات عالی‌رتبه اروپایی هم‌عصر وی فرستاده شده‌اند (۶)

بدین سان؛ «بهره‌گیری از چهره‌های تمام‌قد به عنوان وسیله‌ای برای مرکزیت دادن به قدرت و تحکیم روابط دیپلماتیک با دولت‌های خارجی، چهره‌نگاری را در کانون هنرهای تجسمی دوران اولیه قاجار قرار داد» (۷) ابولعلا سودآور برای این علاقه شاه به چهره‌نگاری عامل دیگری را ذکر می‌کند: «فتحعلی شاه واکنش شدیدی به خاطر شکست سرداران و فرماندهانش در جنگ با روسیه از خود نشان داد. علاقه نسبت به نمایش چهره خود، گویا به دلیل همین شکستی بود که از روسیه متحمل شده بود. ظاهراً با این کار بی‌لیاقتی سپاهیان را از نظر خود جبران می‌کرد» (۸) به هر حال از دلیل این رویکرد شاه که بگذریم، آنچه باقی مانده است مجموعه‌ای است منحصر بفرد از چهره نگاریهای فتحعلی شاه، نخستین تکچهره فتحعلی شاه توسط نقاشباشی دربار، توسط میرزا بابا به تصویر درآمده است. اما شکوهمندترین این تصاویر



چهره فتحعلی شاه/حدود ۱۲۱۴ تا ۱۲۱۹ ه. ق. / رنگ و روغن روی بوم/۲۰۲×۱۱۵ سانتی متر  
مجموعه خصوصی هاشم خسروانی

بی تردید به قلم مهرعلی است که به گفته رابینسون در میان نقاشان فعال در دربار فتحعلی شاه به عنوان بهترین نقاش شناخته شده است. (۹)

#### مهرعلی نقاشباشی

از میان تکچهره های برجا مانده از فتحعلی شاه، برجسته ترین آثار متعلق به مهرعلی است که در بین سالهای ۱۲۱۲ تا ۱۲۲۰ ه. ق. در دربار شاه فعال بوده است. مهم ترین آثار مهرعلی نیز چهره نگاریهای وی از فتحعلی شاه هستند که به گفته فلور حدود نه تکچهره فتحعلی شاه منسوب به مهرعلی شناخته شده اند. (۱۰)

مهرعلی پس از میرزابابا به سمت نقاشباشی دربار نایل شد و بعضی از شیوه ها و خصوصیات کارهای میرزابابا را در آثارش تکرار کرد. اما توانست در تکثیر جاه و جلال پادشاه از میرزابابا و سایر هنرمندان دربار پیشی بگیرد و منزلتی ویژه نزد شاه کسب کند. (۱۱)

#### بررسی تکچهره ها

در اینجا تعدادی از تکچهره های فتحعلی شاه که به قلم مهرعلی به تصویر درآمده مورد مطالعه قرار می گیرند. لازم به یادآوری است که این مجموعه تمامی این آثار را شامل نمی شود، اما با وجود اصول زیبایی شناختی مشترک و مشابه در میان آثار مشتمل بر مضمون فوق، انتظار می رود نتایج حاصل از این بررسی را بتوان به دیگر آثار، بویژه آثار اجرا شده توسط مهرعلی تسری داد.

تصویر ۱: فتحعلی شاه نشسته بر قالیچه مرصع، این اثر با آنکه تاریخ و رقم مهرعلی را ندارد، به دلیل شباهتی که با دیگر آثار وی دارد منسوب به اوست. (۱۲)

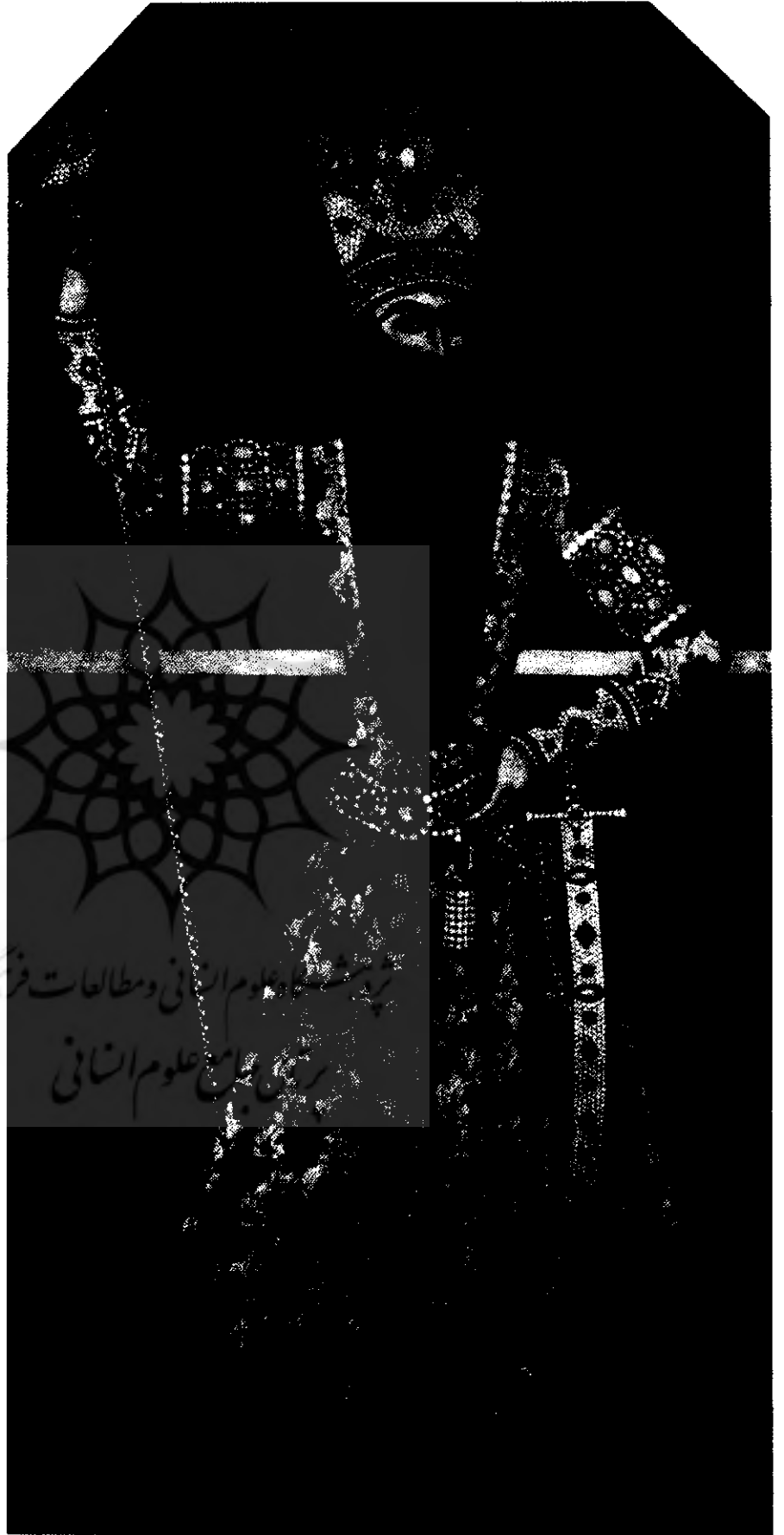
این طرز نمایش فتحعلی شاه که از متداولترین حالت های نقاشی شده از اوست، سابقه ای طولانی در هنرهای تصویری ایران دارد، اما در این دوره با تاکید بر پرتره شاه و افزودن برخی عناصر تزئینی، بیش از پیش مورد توجه نقاشان قرار گرفته است. در این اثر، شاه دو زانو نشسته، دستی را بر زانو تکیه داده و گریزی را در دست دیگر گرفته و در حالی که تاج کیانی بر سردارد غرق در جواهرات گوناگون است. لباس قرمز درخشان شاه بدون نقش و نگار است، اما دیگر عناصر تصویر از جمله شمشیر، کمر بند، بازو بند، قالیچه و متکایی که شاه بر آن تکیه زده همگی مرصع هستند. پس زمینه ساده و بدون تزیینات کار شده و دو ستون تیره رنگ اطراف، آن را دربر گرفته اند. شاه با ریش بلند، ابروانی به هم پیوسته و کمری

باریک ترسیم شده و با چشمانی خیره  
به روبرو می نگرد.

**تصویر ۲:** فتحعلی شاه نشسته بر  
تخت پادشاهی: این نقاشی در سال ۱۸۰۶ م.  
در اردوگاه سلطانیه از جانب فتحعلی شاه  
برای هدیه به ناپلئون به کاردار فرانسه،  
ژوبر داده شد. این اثر یکی از سه تابلوی  
موجود در اندازه طبیعی است که شاه  
رانشسته بر تخت مرصع نشان  
می دهد. (۱۳) شاه در این تصویر بر روی  
صندلی طلایی پوشیده از جواهر نشسته و  
تاج کیانی بر سر دارد که تزئیناتش متفاوت  
از تصویر قبل است. شاه، لباسی بلند و  
ساده و تیره و کفشهایی پاشنه دار بر  
تن دارد. دو ریسه مروارید درشت همچون  
تصویر قبل بصورت ضربدر بر روی لباس  
بسته شده و بقیه اجزای لباس نیز ویژگی  
تصویر قبل را دارد. منظره پشت سر او را  
فضایی ابری، نیلگون و ساده تشکیل داده  
که در دو طرف، با ستون قرینه احاطه  
شده است. کف زمین و دیوار نیز ساده و  
بدون تزئین هستند که با معجری پر نقش و  
قرینه از فضای پشت سر جدا می شوند.

**تصویر ۳:** تصویر ایستاده فتحعلی شاه:  
این اثر اولین اثر شناخته شده است که  
فتحعلی شاه را ایستاده و تمام قد ترسیم  
کرده است. مهر علی با خلق این اثر شیوه‌ای  
نوین در ترسیم پیکرنگاری قاجار بنا نهاد و  
به همین دلیل آن را با ترکیب رنگی متفاوت  
تکرار کرد. در این تصویر، شاه، عصای بلند  
سلطنتی را در دست راست دارد و دست  
دیگرا بر کمر زده است. لباس وی روشن  
و ساده بادامی گشاد و بلند است. شمشیر  
بلند و جواهر نشان او که از کمر تا نوک پا،  
کشیده شده همچون عصا، عنصری مهم در  
ترکیب بندی به شمار می آید. پس زمینه،  
ساده و تیره است و رنگها در اندک اختلافی  
در تیرگی و روشنی، فضا را به سه قسمت  
تقسیم کرده اند. چهره و تزئینات  
لباس، همان ویژگیهای تصاویر قبلی را  
داراست.

**تصویر ۴:** تصویر نشسته فتحعلی شاه  
:احتمالا این یکی از دو تابلویی است که  
شاه به ژنرال روسی، یرملوف در سال  
۱۸۱۷ م. داده است. (۱۴) این پرده نسبت به  
تصویر قبلی از نظر ترکیب بندی، سنتی تر به  
نظر می رسد. ای اثر با اختلافاتی  
در تزئینات و اندازه کادر، تقریبا ویژگیهای  
تصویر یکرا داراست، با این تفاوت که  
پس زمینه، در اینجا منظره‌ای است که به  
شیوه فرنگی سازی کار شده و دورنمایی  
است از ابر، درختان و آسمان که از بالا به  
پایین بتدریج کمرنگ شده است.



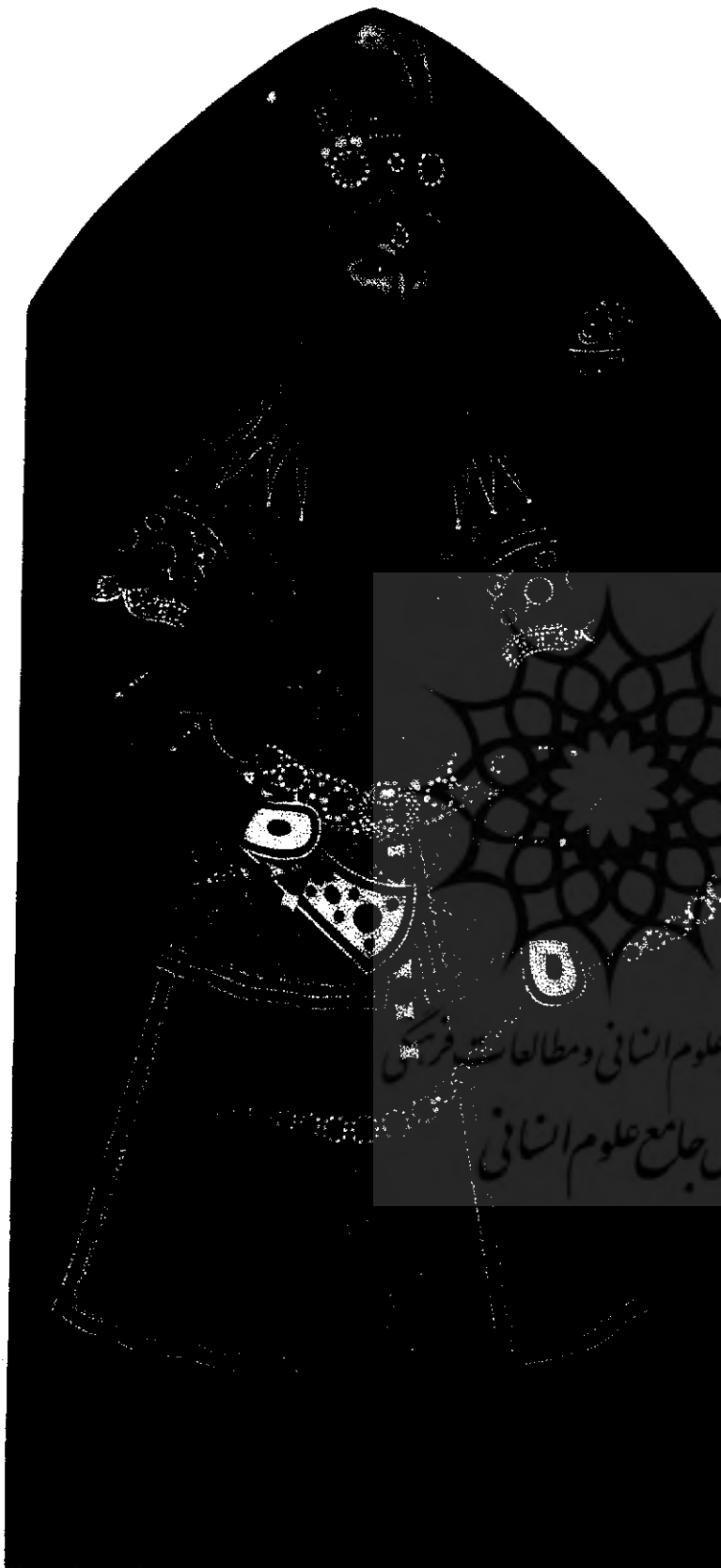
**تصویر ۵:** تصویر ایستاده فتحعلی شاه: این اثر چهار سال بعد از تصویر سه کشیده شده و به لحاظ ترکیب بندی تقریباً همان ویژگیها را داراست، با این تفاوت که نقاش، این بار در رنگ آمیزی و تزئین لباس کاملاً متفاوت عمل کرده است. در این تصویر، لباس زرد و سرخ و نقشدار شاه در تقابل با پسزمینه آبی قام قرار دارد.

**تصویر ۶:** فتحعلی شاه در لباس رزم: این تصویر به لحاظ موضوعی با تصاویر قبلی متفاوت است. شاه در این صحنه در آرایش و هیأت نظامی ظاهر گشته است؛ کلاه خود جقه دار به سر دارد، کمانی در دست چپ و زرهی تیره و منقوش بر تن، چکمه های نظامی وی نیز آرایش رزمی وی را تکمیل کرده اند. چهره، ویژگیهای آثار قبلی را داراست و تزئینات نیز همچنان تمام لباس را دربر گرفته اند. رنگ قهوه ای تخت زمینه با کمی اختلاف در تیرگی و روشنی به سه قسمت تقسیم شده است. نقاش با بکارگیری خطوط عمودی و افقی، انحناهای بالای کادر را با کل کادر هماهنگ کرده است.

#### ویژگیهای کلی آثار

با مطالعه این تصاویر می توان به خصوصیات دست یافت که کمابیش در تمامی آنها مشترک اند. ترکیب بندی کلی از طریق هماهنگی میان سطوح و خطوط پس زمینه و خطوط منحنی و مورب پیکره بدست می آید. تابلوها غالباً ساختاری متقارن دارند و پیکره در مرکز قرار گرفته و بیشتر فضای تصویر را به خود اختصاص داده است. عناصر و نقوش تزئینی بویژه در ترسیم لباس و تجهیزات، نقشی اساسی ایفا می کنند. سطوح بزرگ از رنگهای شکسته یا خاکستریهای رنگین در زمینه، در تقابل با سطوح رنگین و درخشان پیکره و اشیاء قرار گرفته که ارتباط و انسجام میان آنها به مدد خطوط مرزی تقویت شده است. در برخی اجزای صحنه از جمله در لباس، اطراف چشمها، کناره بینی و دستها استفاده محدودی از سایه روشن کاری و حجم نمایی شده است.

در تمامی این پرده ها که در زمانهای متفاوتی به نقش درآمده اند، چهره ها تمام رخ بوده و حالتی یکسان و همواره جوان دارند. تنه و شانه ها از روبرو، پاها از نیم رخ، سینه فراخ و کمر باریک ترسیم شده اند. چهره با سبیل و ریشی سیاه و بلند، ابروان پیوسته، بینی نوک تیز، چشمان درشت و نگاهی خیره به روبرو نشان داده شده است. سایه های نرم و ملایم در حاشیه مرز چهره تمرکز یافته و حالت شاه



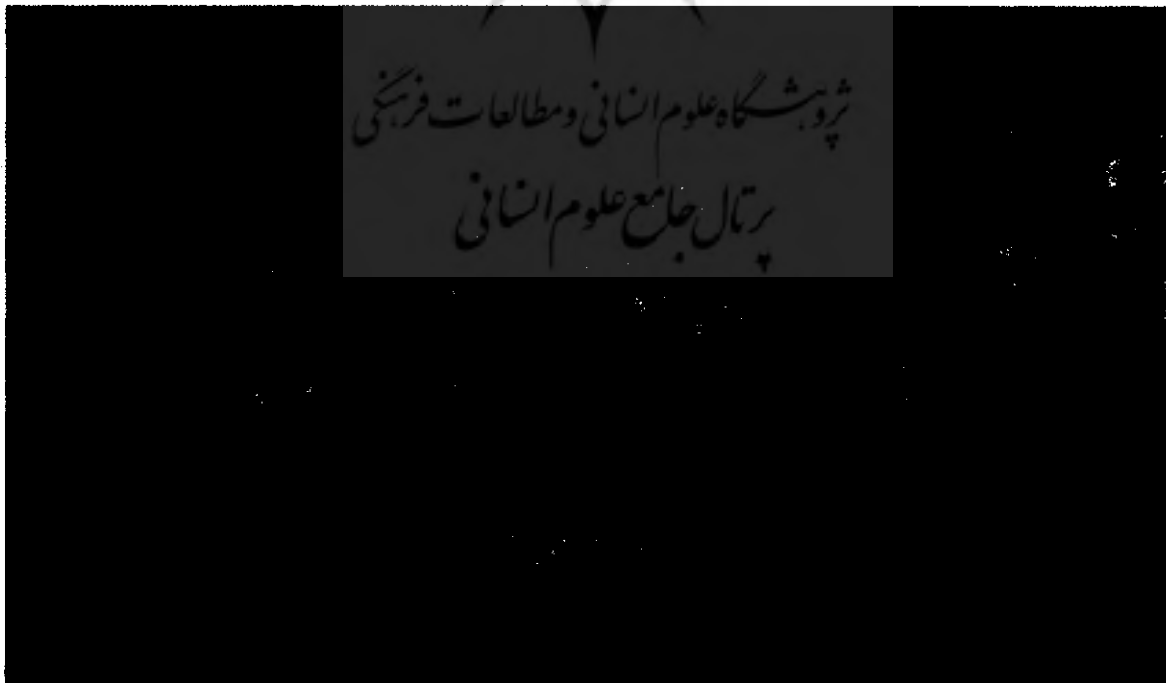
چهره فتحعلی شاه - ۱۲۲۰ ه. ق. / رنگ و روغن روی بوم / ۱۰۳ × ۲۲۴ سانتی متر / گالری ساگر

چنان است که گویی هیچ تماسی با دنیای واقعی خارجی ندارد.

**خصوصیات ایرانی و تاثیرات غربی**  
از سده یازدهم هـ. ق. اسلوب رنگ و روغن روی بوم وارد ایران شد و در بین هنرمندان، مرسوم گشت. در دوران قاجار نیز این شیوه بیش از سایر تکنیکها مورد توجه قرار گرفت. اما نقاش، این ابزار را نه با اصول آکادمیک غربی، بلکه به شیوه خاص خود به کار می برد. علاوه بر تکنیک، از دیگر عناصری که نقاش از هنر اروپایی وام گرفته، منظره پردازی است که نمونه آن را در تصویر شماره چهار مشاهده کردیم. همچنین به نظر می رسد در برخی موارد هنرمند سعی در ایجاد پرسپکتیو از اشیا را داشته، اما در نهایت هر جا که لازم دیده از این قاعده چشم پوشی کرده و اشیا را از زوایای مختلفی دیده است. مثلا پیکره را از روبرو و زمین را از بالا نشان داده است. نقاش با آنکه از پرسپکتیو به صورت کلی دست برداشته، در گوشه های کوچک و ظریفی چون لبه های چین خوردگی لباس به پرسپکتیو مختصری توسل جسته است. در کل، درک فضا نه با کار بست پرسپکتیو سنتی غرب، بلکه با بهره گیری از پیشایندهای و پسرودگی عناصر و همچنین رنگها بدست می آید. اشیا در این تصاویر به جای آن که توصیفی از اسباب و لوازم طبیعی باشند، خصلتی خیالی و نوعی یافته اند. هنرمند به ترسیم هیأت نمادین اشیا پرداخته و آنها

را به نشانه های صوری، استجانه داده و صرفا وظایفی را به آنها محول کرده که باید در پرده نقاشی داشته باشند. کار بست خطوط مرزی در شکلها که از خصلتهای مهم نقاشی قدیم ایران محسوب می شوند، در اینجا نیز برای ایجاد حجم پیکره و اشیا نقشی اساسی دارند و بنابراین نقاش چندان نیازی به اسلوب برجسته نمایی به مدد سایه پردازی دقیق و طبیعی احساس نکرده است. تقارن نیز به عنوان اصلی در سازمان بندی آثار به کار برده شده، همچنین اصل تزئین، مشخصا ریشه در سنتهای تصویری ایران دارد. اگرچه این بار نقوش تزئینی مایه های تازه تر و بعضا فرنگی دارند. مسئله دیگر در مورد این آثار، شبیه سازی است. رویین پاکباز اساسا در مورد پیکره نگاری درباری معتقد است: «برغم بهره گیری از اسلوب برجسته نمایی، همواره شبیه سازی، فدای میثاقهای استعاری و جلال و وقار ظاهری می شود» (۱۵) همان طور که در مطالعه تصاویر اشاره شد، سیمای فتحعلی شاه همواره به صورتی ثابت و قراردادی به نقش درآمده است که این نکته را باید در سنت قدیم نقاشی ایران جستجو کرد که در آن شبیه سازی چندان مدنظر هنرمند نبوده است. جولین رابی در خصوص پرتره ایستاده فتحعلی شاه، (تصویر ۲) به نکته ای اشاره کرده مبنی بر الهام پذیرفتن مهر علی از یکی از نسخه های متعدد از پرتره ناپلئون

در لباس امپراتوری و باعصای سلطنتی در دست (تصویر ۷). رابی اظهار می دارد که اگرچه مدرکی که اثبات کند یکی از این پرتره ها در آن زمان به ایران آورده شده باشد در دست نیست، اما شباهت بسیار زیاد در طرز نمایش ناپلئون و فتحعلی شاه، به ویژه در مورد عصا، و همچنین تاریخ خلق آثار، ارتباط این تصاویر را اثبات می کند. (۱۶) با این که این دو اثر به لحاظ زمانی تنها چندسال با یکدیگر اختلاف دارند، اما از نظر قالب، محتوا و جنبه های زیبایی شناسانه به حوزه های کاملا متفاوتی تعلق دارند. صرف نظر از موضوع تاثير پذیری مهر علی از نمونه فرانسوی، تنها در مقام مقایسه، به نکات قابل توجهی می توان دست یافت: پرتره ناپلئون، کاملا ویژگیهای یک اثر طبیعت گرای متعلق به اوایل قرن نوزدهم فرانسه را داراست. اثر در جهت مقصود سیاسی اش به منظور نشان دادن شکوه و قدرت ناپلئون، به عنوان انسانی که ناجی کشورش شده، به ثبت رسیده است و به توصیف یک رویداد معاصر در جهانی محسوس می پردازد که این جهان زیر نفوذ مکان و زمان است. یعنی واقعی است که انسان از طریق حواس خود آن را مستقیما در می یابد. اما در تصویر فتحعلی شاه وضعیت کاملا به گونه ای دیگر است. در اینجا تصویر واقعیت و جهان، خصلتی فرضی و نمادین یافته است. نقاش، شاه را به گونه ای ترسیم





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی